سیاستگذاری درون و برون دانشگاهی جهت حضور دانشجویان در عرصه برای دروس نظری: مطالعه موردی آموزش پاسخگو در دانشکده مدیریت دانشگاه علوم پزشکی ایران

نویسندگان: لیلا نعمتی انارکی – عزیز رضاپور – شاندیز مصلحی* – هدی غفوری رحیم آبادی – شادی اسدزندی

*دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

مقدمه:
آموزش پاسخگو در علوم پزشکی به معنای جهت‌دهی آموزش، پژوهش و خدمات بر اساس نیازهای واقعی سلامت جامعه است . با این حال، یک شکاف اساسی در دروس نظری رشته‌های مدیریت سلامت وجود دارد، بدین صورت که دانشجویان مفاهیم را در کلاس می‌آموزند اما فرصت تجربه عینی در عرصه را ندارند. دفتر توسعه آموزش دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران با تشکیل کمیته برنامه ریزی درسی و با هماهنگی با کمیته آموزش پاسخگو تلاش کرده است تا برنامه‌های درسی را به سمت نیازهای واقعی جامعه سوق دهد . پرسش اصلی این است: چه سیاست‌هایی در سطح درون‌دانشگاهی (برنامه درسی، هیئت علمی، ارزشیابی) و برون‌دانشگاهی (شراکت با معاونت بهداشت، مراکز خدمات جامع سلامت، سازمان‌های مردم‌نهاد) می‌تواند حضور دانشجویان مدیریت را در عرصه، حتی برای دروس نظری، نهادینه کند؟ در پاسخ به این سوال، این پژوهش طراحی و به صورت پایلوت اجرا شد.

روش اجرا:
این مطالعه موردی کیفی در دانشکده مدیریت دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شد. داده‌ها از سه منبع جمع‌آوری گردید: (۱) تحلیل محتوای اسناد بالادستی شامل شرح وظایف کمیته آموزش پاسخگو و کمیته برنامه ریزی درسی دانشکده؛ (۲) برگزاری جلسات همفکری مسئولین حوزه آموزش و دفتر توسعه آموزش با مدیران گروه های آموزشی در دانشکده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برخی از اعضای هیئت علمی و مدیران آموزشی دانشکده؛ (۳) ارای برنامه به صورت پایلوت در راستای آموزش پاسخگو با تمرکز بر مدل‌های ادغام دروس نظری با عرصه . تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوا انجام شد.

یافته ها:
در تحلیل وضعیت موجود یافته ها به این صورت بود که دروس نظری دانشکده مدیریت عمدتاً به صورت سخنرانی ارائه می‌شوند و ارتباط ساختاریافته‌ای با عرصه ندارند. به عنوان مثال برخی از اساتید و دانشجویان اذعان داشتند که «کاربردی نبودن دروس» و «فاصله محتوا از مسائل روز جامعه» مهم‌ترین ضعف برنامه درسی است. با برگزاری جلسات هماهنگ با نهادهای درونی در سطح دانشکده و دانشگاه و همچنین با تعامل با سازمان های خارج از دانشگاه و انعقاد تفاهمنامه و قراردادهای هماهنگی جهت ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان، این چالش با بازطراحی تکالیف درسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. کمبود زمان در تقویم آموزشی، عدم تمایل برخی اساتید به تغییر روش تدریس سنتی، و ابهام در سازوکار هماهنگی بین سازمانی از جمله چالش‌های اصلی این طرح بود.

نتیجه گیری:
سیاست‌گذاری برای حضور دانشجویان گروه مدیریت در عرصه، حتی در دروس نظری، نیازمند یک رویکرد دووجهی است. در سطح درون‌دانشگاهی، بازطراحی تکالیف و ارزشیابی به سمت خروجی‌های واقعی تر و توانمندسازی هیئت علمی در حوزه آموزش روش های نوین آموزشی ضروری است. در سطح برون‌دانشگاهی، نهادینه‌سازی ارتباطات و هماهنگی هاب بین بخشی و بین سازمانی می‌تواند حضور دانشجو را از یک بازدید پراکنده به یک تجربه یادگیری ساختاریافته تبدیل کند. بدون این دو مکمل، آموزش پاسخگو در دروس نظری در سطح شعار باقی می‌ماند.